گفتوگویی باداستین هافمن به بهانه اکران تازه ترین فیلمش «گروه کریسران»

موسيقىراازبازيگرىهمبيشتردوستدارم

ساسان گلفر |

انيميشن«يدينگتن»وموقعيتستارهاينيكولكيدمنازنگاهمنتقدانبينالمللي **خرسی برای تمام فصول**

«بلهوسی شگفتانگیز پدینگتن» در یادداش خهد نوشت: « وح زیبای داستان خرس جوانی که از تاریک ترین نقاط جنگلی در پرو می آید و ماجراهای بامزه مختلفیے را در لندن به وجود ک دواست.»

جومور گنسترن،نویسندەوالاستریتژورنال ــين جلوه تصويرى فيلم بهويژه مقدمه با تحس سیاموسفید زیر کانه آن، به شباهت های سبک تصویریفیلمبا «بیب»(محصول۱۹۹۵استرالیا به کارگردانی کریس نوان)، رنگهایههای اشباع فیلم که یادآور «چترهای شربورگ» (ژاک دمی، ۱۹۶۴) است و رویکرد بازیگوشانه آن که به آثار مانند ُ هلمرو ماه تابان» و «آقای روباه شــــگفتانگيز» پهلو مىزند، اشـــاره كرده

تیرداد در خشانی ، منتقد فیلادلفیا اسکوایر ر هم تقر بنایه همین انسدازه طرفدار «بدینگتر» ت. او که به این فیلم امتیازی معادل ۸۸ از ۱۰۰ داده،معتقداست که علت روی خوش نشان ندادن هالیوود به تولیــد «پدینگتن» در منش این شخصیت است که به ذائقه بریتانیایی هایی خـوش می آید کـه تمنای باز گشـت به حس حــوس می ید ــــ دهمای بر ســــ بر ـــــ نبلت و همبستگی دوران پیش از جنگ جهانی دوم را دارنــد و ایــن خرس آقامنـــش و مؤدب باقد وقراره یک متری بیشــتر مجــــمکننده ادب و نزاکت دوران امپراتوری بریتانیام تابچەھـاى آمريكايى قرن بيسـتويكم كەبا شخصيتطعنەزن وبددھنى مثل بارت خانوادە

سیمپسن بیشتر همدلی میکنند. درخشانی استدلال میکند که دقیقا به همین علت است كەشــخصيتى مثل يدينگتن براى تماشاگران امروزی که از اغذیه کامیک بو کی دلزده شدهاند، عالى اسا

ی کلودیا پوییگ، نویسنده یواس.ای تودی که از چهار ستاره به «پدینگتن» سه ستاره داده، در آمیختن حسی قدیمی واز مدافتاده با صحنهای ، بی کی ۲۰۰۰ کار را معاصر را نشانه زیر کی سازندگان این فیلم میداند وی به ویژه بازی ویشا، هاو کینز و بونویل رادراین فیلم می ستاید.مایکل فیلیپس، منتقد شیکاگو تریبیون که هماندازه خانم پوییگ این فبلجر ا تحويل گرفته است، به خوانندگان هشدار

میدهد کـه مبادا بـا دیدن میدهد کـه مبادا بـا دیدن طاهر ژندهوزهوار در رفته این خرس پیشداوری کنند که فیلمی «الکی و نخنما شده» ىد.برعكـس،از نظر ی. این منتقد فیلم «پد؛ موشمندانه، بانمک و گیرا و از لحاظ عاطفی تاثیر گذار است. وی می گوید، این فیلم آن قدر ت و شــوخى هاى فوب دارد که با کل مجموعاً میشن «عصر یخبندان»

برابری می کند. فيليپــس البته در اشــاره به بــازى نيكول کیدمن در نقــش منفی، به فیلم «پدینگتن» خرده گرفته اســت کــه برای جــور در آمدن بانوع شـخصیت منفی ترسـناک آن گهگاه اندکی ناراحت کننده شده است. در عین حال آنتونے لین،منتقدنیویور کر در مور دشخ ری ۔ نیکول کیدمن در فیلم نوشته که او درست به همان اندازه که کار گردان فیلم لازم داشــته، و سرسخت است. حتى اكسان بروكز، د گاردين كه بـــا نمرهاى معــادل ۳ از ۵ مكمت بــان تا اسا شرور و سرسخت اس ستاره کمترین امتیاز را در بین همتایان خود به «پدینگتن» داده، بازی نیکول کیدمن را کاملابرازنده شـخصیت دانسته و گفته که او «سرخُوشانه به روح شخّصیت کروئلادویل (به معنی بی رحم شیطان صفت) نقب زده است». در مجموع، ســكوت اكثريت منتقدان نسبت به نقش آفرینی خانم بازیگر که در یکسال گذشتهدایم درمعرضانتقادهاو کنایههای تند قرار گرفتهاست،نشان از رضایت دارد.

منبع:گلوباندمیل

این خرس الان دیگر خیلی پیر است. نزدیک ۶۰ سال دارداما هنوز هم بابچه هاست و می شود گفت که سال گذشته از نو متولد شده است. پدینگتن خـرس اولین بار در سـال ۱۹۵۸ که پگی فورتنام آن را براساس داستانی از مایکل پگی فورتنام آن را براساس داستانی از مایکل باند مصور کرد پا به عرصه گذاشت. خرسی بود . عاشق مربای نارنج، با کلاهی کهنه و کیف دستی زهوار دررفته و کت پشمی که از دورترین نقاط جنگل های پرو به لندن پا گذاشت و اسمش را از از ایستگاهی در آن شهر گرفت و یکراست وارد ادبیات کودکان شــد و نسل بهنسل بچهها ر ا خندانــد، از کتابهای مصور و ســریالهای نیمیشن تلویزیونی گذشت تارسید به نسلی که مى خواست تر كيب نسخه رايانهاى وانيما ترونيكز

ی رئی کر یہ کریں۔ آن رابابازیگران زندہ روی پر دہبیند۔ اولیــن زمزمــه تولیــد نســخه اولیسن رمزمیہ ہو ہے۔ «یدینگتن»بافیلمنام۔ ہمیش مککول و به په په کنندگی دیوید هایمن در سال ۷ نهیه کنندگی دیوید هایمن در سال ۷ اه افتاد و بعد، بر ای شش ســال مســکوت ماند. راهاقناد و بعد، برای سس سس مسجو تهیه کننده در سپتامبر ۲۰۱۳ خبر صداپیشگی کالین فیرث، بازیگر انگلیسی برنده اسکار «سخنرانی پادشاه» در نقش پدینگتن را اعلام کردو تولیدفیلم به کارگردانی پل کینگ بابودجه حــدود ۵۰میلیون دلار به عنوان پر خرج ترین محصول شرکت فرانسوی اســتودیوکانال آغاز شـــد. بعداز پایان فیلمبـــر داری کالین فیر ث به این نتیجه رســـد که صدایش متناسب با این نقش نیست و با توافق تهیه کننده، صداپیشگی نقش پدینگتن خُرس به بن ویشا، بازیگر جوان انگلیسی فیلم «عطر» و فیلم های متأخر جیمز باندرسيدايملدااستنتن صداييشكى شخصيتى بسرسید، پیستی ممه لوسی را برعهده گرفت و مایکل گمبون صداپیشه عموپاستوزو شد. از بازیگران تراز اول انگلیسی که در نقش های زنده فیلم بازی کردند، سلی هاوکینز، جولی والترز، یم، برای طرحت کی طرح عمر، عربی مراز هیوبونویل و جیم برادبنت بودند.اما در این میان نیکول کیدمن استرالیایی - آمریکایی بود که با بازی در نقش منفی فیلم از اکران نوامبر ۲۰۱۴ (آذر ۹۳) «پدینگتن» بهعنوان وسیلهای برای جبران شکست فیلمهای یک سال اخیرش مثل «گریس از موناکو» و «پیشش از آن که به خواب روم»استفاده کرد. کیدمن در فیلم «پدینگتن» نقش یک زن تاکسیدر میست را دارد که قصد

دارد پدینگتن را هر طور که شده به کلکسیون حیواناتی که در موزه پوستشــان را پر کاه کرده است، اضافه کند. از ســوى ديگر پدينگتن كه بهُ مسوی دیتر پنیدنین کرد علت بحران محیطزیستی ناچار شده است جنگلهای پرو را به مقصد لندن ترک د، در آن شــهر بــا یک خانــواده مهربــان و اندکی عجیبوغریــب دوســت و همراه می شود که تصمیم می گیرنداز او حمایت کنند. خانم بازیگر با این فیلم در سبت به هدف زد.

5

کمــدی خانوادگی ۹۵ دقیقهای «پدینگتن» نمادی خانود نی تا تغییله ی چدیندین» در روزهای پایان پاییز گذشته در رتبههای بالای جداول فروش گیشه سینمای کشورهای مختلف بود و در مجموع بیسی از ۲۵۰میلیون دلار در سراسب جهان فروش داشبت. از جنبه دار در سراسر جهان تروش داست. از جنبه هنری هم فیلم موفق بود و نقدنویسان استقبال خوبــی از آن بــه عمـل آوردنـد. از ۸۸ منتقد معتبر روزنامههای انگلیسـی زیــان که نظر و نوشتههایشان در سایت ستاکریتیکمنتشر شده ۳۵ منتقد فیلّم را خوب و ۳ نفر متوسط ارزیابی کردندو به «پدینگتین» در مجموع نمره ۷۷ از ۱۰۰ را دادند. متوسط نمرههای ۱۳۴ منتقد در سايت Rotten Tomatoes نيز به اين رقم نزدیک بودو «تومیتومتر» این سایت رقم ۷/۹ از ۱ رانشان داد.

بتسی شارکی، منتقد لس آنجلس تایمز از نهایی بود که خیلی از «پدینگتن» خوشش آمد وامتيازي معادل ٩١ از ١٠٠ به آن داد.وي درباره سمیت جبهه بگیر د و با او جر و بحث کند، وقفهای در کار ایجاد کرد و با او دربـاره صحنه حرف زدو درنهایت مشکل را حل کرد. هافمن می گوید: «بهنظرم بازی باید

مستن را حل لرد هاهمان عن بوید «بعض میران باید همین طوری باشد باید سادومی دفدغه باشد.» استه درباره او تصورات اشتباه انتینه است. مایک نیکولز همکاری خیلی خوبسی در فیلــم «فارغالتحمیل» با او انتــت هافتن می گوید: «ـــســل روی فیلمنامه کار کردہ بودند. یک ماہ تمرین داشتیم، از ہیچ شروع کردیم فقط یک استودیوی صدا داشتیم با یک نوار، مثل همان کاری که معمولا در نمایش انجام می شود. بعدش صدروز فیلمبرداری داشتیم، زمانی که برای ساختن پنج فیلم نیاز است. دایم صحنه ها را با هم مرور ىكرديم.»

در فیلیم «تمام مـردان رئیسجمهـور»، هافمن و ہم بازی اش رانے رت ردفور د احسباس کر دند که تمام مها دری می رسر و رسورت مستقی مرتب مستقی مرتب مستقی صحنههای مربوط به زندگی خصوصی شخصیتی که ایفا می کردند بایــد از فیلمنامه حذف شــود تا به این " ترتیب «مُخاطب فقط ماً را به عنوان خبر نگار بشناسد، همین وبس» و به همین دلیل نظر شان را به آلن پاکولا انتقال دادند و او هم با روی باز از نظرشان استقبال کرد. سمتان دسته و وهم باروی باز رنظرتنان استقبال کرد. هافمن همکاری با بری لوینســون در فیلمهای هرد بارانی » «سلیپرز» و «سکتی ایجنیان» را بسیاد دوست داشت. استیون اســیپلبرگ هم از نظر هافمن در فیلم «هوک»بی نهایت «بخشنده»بود.

ر ۲۰۰۰ می در اگرچه هافمن هرگـز تجربه همکاری بـاوودیآلن انداشته اسـت اما همیشـه او و کارهایش را تحسین می کند و این که به مازیگرانش او و کارهایش را تحسین می کند و این که به بازیگرانش اجازه می دهد فی البداهه کار کننید. هافه بر بر با آ بازیگرانــش میخواهد که تمام تلاششــان را بکنند تا کر خیلی واقعی بهنظر برسد و اصلا کاری ندارد که انها چه می کنند یا چه می گویند من هم این طور کار کردن را خیلی دوست دارم.» (البته یک بار با او برای بازی در یکی از فیلمهای آلن تماس گرفته شد. «در س : مانی که بایـ د می گفتـــم آر ه، گفتم نه!» مـــا به عنوان ب می در می می در می می در می می می کردیم. مالحد کر طی زمان مصاحبه مرتب سعی می کردیم. مالحمن را به ســمت موضوعهای دیگر ســوق بدهیم و هافمن را به ، درباره چیزهای دیگری به جـز رابطه بین کارگردانها و بازیگران صحبت کنیم، اما او اصلا با ما کنار نمی آمد. به ما گفت که همیشـه آرزو داشته یک موسیقیدان یا آهنگساز بزرگ شود. «اگر همین الان خدا به شانههای من بزند و بگوید: «دیگه بازیگری و کار در دنیای سینما كافيست وحالامي تواني يك پيانيست خوب سبك جاز بشــوى» بي ترديد و بلافاصله قبول مي كنيم. چون من یسوی ایم تردید و بردهمه میران می شود می واقی می موسیقی را بیشتر از هر چیز دیگر دوست دارم» اوقسم بیشتر از دیگران عمر کرده باشی و تجربهان هم بیشتر باشند، حتی اگر نتوانی به دیگر ران کمک کنی همین که عاقلابه تسر تصمیم می گیری خوب است.» کمی ۔۔ سے سیسیم سی بیری خوب است... کمی مکث می کندو سیس با چهر مای خشبک و بی حالت ادامه می دهد «به نظر می رسد خیلی حرف هایم را باور نداريد.»

اماً تقریبــا در تمام جوابـهایی که به پر ـ تک تک ما می داد بخشیی به رابطه بیین کار گردان ها و بازیگران مربوط می شد. البته این کاملا خواسته هافمن بود و او جلسه مصاحبه را به همان سـمت و ـــویی هدایت می کر د که خودش دلش می خواست. و درنهایت جمعیندی کرد: «در هنـر واژهای به نام «عالـی و بینقص» وجود ندارد. پیکاسـو حتی بعد از او در نهایت جمع بن این که تابلوهایش تمام میشدند و آنها را به دیوار نصب می کرد، تازه کلی تغییرات به آن میداد و چیزهایی به آن اضافه می کرد. به نظـرم کار هنری هیچوقت تمام نمى شـودو هميشـه تلاش مى كنى أنچـه را واقعى بەنظـر نمىرسـد، از كارت حذف كنى.» واگر شـما . هافمن باشید هر گز به کســی اجازه نمیدهید غیر از آنچه خودتان دلتان میخواهد، به شما چیزی بگوید با پرسشی بپرسد.

يوهانااشنلر ترجمه پريالطيفي خواه



شوند.»

، واقعا مطمئنہ ؟»- بعـــد از کلے کلنجار

«بعضی از کار گردانها قبل از زمان مقتضی، از کارشان

. ضایت حاصل می کنند و از ادامه کار و بهتر کردن ن دست می کشدند.» و ادامه می دهد: «آنها احساس

خطر می کنند اگریک بازیگر درباره فیلمشان نظر بدهد. آنهااصـرار دارند که صحنهها را به همان تر تیبی

ین هافمن هیچ وقت اهل جر و بحـــث و جار و «ر. صح جنجال نبوده و نیست. چه در فیلمهایش، جایی که میتواند ترسیناک و مهیب باشید و چه در یک برنامه دوباره داستین به من زنگ می داما سن تمام این وسواس هایش را عاشقانه دوست دارم. چون به نظر من میز گرد با هُشت روزنآمه نگار؛ همانُ طُور کُه سپتاُمبر گذشته در مراسم اکران فیلم تازهاش «گروه کر پسرها» نشان دهنده تعهدو دلسوزی او نسبت به فیلم است.» در جشنواره بين المللي فيلم تورنتو اين مسأله را ثابت هافمن هم به روشنی اذعان داشت که همکاری با جرار د بسیار لذت بخش و دوست داشتنی بوده است و به راحتی گفت که نمی تواند با آن دسته کارگردان ها که روحیه همکاری بالایی ندارند، کار کند. او معتقد است:

ر هافمن در فیلم «گروه کر پســرها» نقش رهبر گروه کر یک آکادمی موسیقی نُخبگان را ایف می کُند، او مسئولیت آموزش پسـربچەھا در درخشــان ترین و زودگذرترین لحظات; ندگی شان که صداهایشان بیشتر ر رور رور انگیز چنگ فرشتگان می ماندرا برعهدهدارد. اما ناگهان در یک روز هورمونهای نوجوانی کار خود را

میکندو تمام آن نواهای پیشتی از بین می رو . میکندو تمام آن نواهای پیشتی از بین می رود. شش دهه زندگی حرفهای هافمن فراموشنشدنی است-دو جایـزه اسـکار، بازی های بـه یادماندنی؟ از فیلم،هـای «کابـوی نیمه شـب» و «ملاقــات بــا خانواده فاکرز» گرفته تا «فــارغ التحصیل» و «مرگ دستفروش». حتى شكستهايش هم بيشتر به حماسه شبيه بودهاند تا شكست (مثل فيلم «ایشــتار» محصول ۱۹۸۷). در ۷۷ ســالگی، اگرچه گــرد خاکســتری روی موهایش نشســته اســت اما همچنان خنده رو و سـرحال مینماید و شوخ طبعی شیطنتآمیزش را همچنان با خود دارد. «آن زمان که من کارم را شــروع کردم، اگر عکسی از کسی درحال انجام کارهای غیراخلاقی چاپ می شد-دیگر فاتحه زندگی حرفهایش خوانده بود. امــا حالا همان عکس می تواند آدم را به یک ستاره تبدیل کند.» در حالی که ین را به خبرنگاران می گفت؛ چشمانش با انفجاری از فطوط خنده، موج انداخت.

بەنُظر مىرسىيد كە مىكوشىد خيلى بااحتياط از خودش بەعنوان يک اسطورہ زنىدە صحبت كند: «قسم می خورم، اصلا متوجهاش نبودم. تنها چیزی که ی روا به درجه بیشتر در این شغل فعالیت . مىدانى کنی،خیلی سخت می توانی از شرش خلاص شوی.» با ایــن اوصاف؛ اگر مــا به عنوان خبرنــگار بخواهیم در مورد مســائل مربوط به فیلم «گروه کر پســران» و موضوّعهایی مثل اسّتعداد، آمّوزشٌ و هُنْر از هافَمَنْ سوالاتی بپرسیم؛ اما او دلش بخواهد که درباره روابط ناراحت کننده بین بازیگران و کار گردانان صحبت کند؛ ۔ر۔ ـــ ـــــې بريمران و دار برادان صحبت كند؛ خودتان حدس بزنيد درنهايت چەكسى موفق مىشود حرفشرا به كرسى بنشاند؟

یک بار زک هلم، نویسـنده و کار گردان فیلم «آقای ماگوریـوم» به من گفت: «گر تفاهــم و اعتماد در بین نباشــد، داســتین میتواند آدمــی تهدیدآمیز و حتی ترســناک شــود.اگر حدس بزنید که یک بازیگر تااین ندازه می تواند خشن بشود، شاید با خودتان بگویید که نمی شود با چنین آدمی کار کرد. اما اگر می خواهید واقعا با یک بازیگر همکاری صمیمانه و صادقانه داشته باشید،

آدمی بهتر از هافمن نمی شناسم.» فرانســوا ژیرار، کار گردان کانادایی متولد کبک (که علاوہ پر «گروہ کر پستران» فیلم ہای «سے ودو فیلم مرد بز " نرو» نریشترن" بینهایی مسیو بینم کوتاه درباره گلن گولد» و «ویلن قرمــز» را در کارنامه دارد) با ایــن حرف موافــق است. او در یک مصاحبه جداگانه دربــاره هافمن گفت: «داســتـین یک بازیگر ت. هم منّ و هم او دلمان میّخواست وسواسی ان يُكُبِار ديگر اين فيلم راأز نومي ساختيم وبعد آن را یہ بار دیتر پی بیار راج عیسہ دیرہ ہے۔ روانہ بازار میکردیم امازمان برای ساختن این فیلم کم بود، فقط ۲۷ روز، می بینید درواقع هیچ زمانی برای انجام کارهای پرزرق و برق و لوکس نداشتیم. این فیلم یک پروژه سراســر تنشرز ابود؛ اما دوســتی ما محکم و پابرجا ماند.» میخندد: «درواقع، برای من، بزر گترین موفقیت و دستاور داین فیلم، همکاری با داستین بود.» وسـواس و دقت نظر هافمن در تمـام مدت تدوین فیلے «گروہ کر پسـران» هم ادامه داشـت. جرارد در ادامـه حرفهایش گفت: «داسـتین بیشـتر از ۲۰ نســـخه مختلف ابا دقت تمام ديد و در تمام اين مدت ٿبرداري مي کردو مرتب به من زنگ ميزد-بادداشـ

نویسنده فیلمنامه بن ریپلی، کارگردان: فرانسوا ژیرار، موسیقی: برایان بیرن، ویان نمایش: ۲۱ دقیقه، محصول ۲۰۱۷ ایالتمتحمد آمریکارزیان: انگلیسی، تاریخ اولین نمایش: هستنامهر ۲۰۱۶ افرودین ۲۴) در جشنواره فیلم تورتنو، تاریخ اکران عمومی: ۳آ فرول ۲۵ دا ۱۶ فرودین ۲۴)

خلاصه داستان: استت (گرت و یرینگ) پسـری مسألهدار و خشمگین است که در شهری کوچک در تگزاس زندگی می کند. وقتی مادر است در و مسینی سال در تصادف رانندگی فوت می کند، پدرش (جاش لوکاس) او را به مدرسـهای شــبانهروزی در ر منطقی بول کی عدد پدرش کے بل کو علی دور پار میں اور ایک میں وسال متخصص اجرای آثار نیوجر سی می فرستد که یک گروه کر پسر های کم سنوسال متخصص اجرای آثار موسیقی دوران باروک دارد. رهبر گروه کر، آقای کارول (داستین هافمن) که در موضیعیلی دوران با رود کارد. رهبر خروه خر، ایک بزور این می رود را با می برود را با رقیبی کردا سینی اعتمار با در (ادی ایسزارد) و مدیر مدرسه (کتی بیتس) حل وفضل می کند. آقـای کارول که می داندا باین سریچه افظ منت کواهی فرصت دارند اییش از رسینی به بلوغ و دور که شدن مدارشان با تالای خود از داجرای سو برانو مه نمایی یگذارند. سعی دارد است را به کشف روح خلاقیت های نهغتاش وادارد و این مساله به نبر دی پنهان میان دو اراده دامن میزند.

است، تن بدهند. آنها هر گز به بازیگران اجازه نمی دهند نا یلے یک ہایے کہ از بازی شـــان گرفتہ شدہ را ببینند و درباره آنها نظر بدهند. باید با این دســــته از کار گردان ها دایم کلنجار بــروی و دایم به آنها بقبولانی که «بابا! من هم منظورم همانی است که خودت می گویی»... این کار گردانها بیشتر ترجیح میدهند که بــا بازیگران دردمی خــوره؟» اما هافمن به جـای این که در مقابل



گروہ کر پسران Boychoir

بازیگران: داســتین هافمن، جاش لوکاس، کتی بیتس، دبرا وینگر، گرت ویرینگ، ادی ایزارد و کوین مک هیل

احسـاس فوق|لعادهای بود. «بهم هشــدار داده بودند که کار کردن با اسمیت کار سختی است. حق داشتند چون درست وسط یکی از صحنهها بود که یک دفعه خیلی ساده دست از کار کشیدو مثل مردهها بی حرکت ایستاد و گفت، نمی دونم این صحنه درباره چیه و به چه

وعوامل فيلمشان همكارى نكنندو باشكست مواجه وندتا این که روحیه همکاری داشته باشند و موفق هافمین در ادامه بیرای مخالفت بیا روش حنا کارگردانهایسی میگوید که بازیگران میتوانند به همدیگر در بهتر شدن روند فیلم کمک کنند. «مثلا تو به یک بازیگر دیگر می گویی که «فکر کنم اینجا رو خیلی خوب بـازی نکـردم» و آن بازیگر مثلا در ر جواب تو می گوید «وقتی داشــتیم بازی می کردیم، خیلی خــوب بودی، امــا وقتی کار گردان خواسـت

که انرژی بیشتری بگذاری همه چیز خراب شد.» میدانید بـه نظرم اینطوری مثـل فیلمهای قدیمی است که در زندان می گفتند: «انگار گندهتر از دهانت حرف میزنی!» مافمن از «شر همه این مسائل خلاص شد» وقتی

اولین فیلم بلند خود را به نام «کوار تت» در سال ۲۰۱۲ کارگردانی کرد. (فیلم درباره یک آسایشگاه سالمندار مخصوص آهنگسازان و نوازندگان بازنشسته است که هم زندگی می کنــد.) او درباره ایـــن فیلم می گوید که